

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
این کتاب در سال ۱۳۹۷  
مهر ۱۷ - مشهد  
تقریباً  
۷۹، ۱۱، ۲۹  
مالمیر

## «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

گر شدی عطشان بحر معنوی

فرجه کن در جزیره مثنوی

فرجه کن چندانک اندر هر نفس

مثنوی را معنوی بین و بس

۱۳۸۰ / ۸ / ۱۰

انواع خدمات در آستان علم ایران  
تعمیرات و نگهداری

دانشگاه شهید بهشتی

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

جوهر شعری در مثنوی معنوی

استاد راهنما:

دکتر کاظم دزفولیان

استاد مشاور:

دکتر علی محمد سجادی

دانشجو:

حسین نعمتی شمس آباد

۱۳۷۹

۳۷۲۰۹

011356

تقدیم به :

همسر و فرزند

ملازمان غم و شادیهایم

## فهرست مطالب

عنوان

---

صفحه

پیش‌گفتار

- فصل اول

شرح حال مولانا ..... ۲-۵

آثار مولانا ..... ۶-۷

اوصافی از مثنوی ..... ۷-۱۰

- فصل دوم: جوهر شعری و صور خیال در شعر فارسی

تعریف شعر ..... ۱۱-۱۲

جوهر شعری و صور خیال ..... ۱۳-۱۴

شناختی از ارکان اصلی جوهر شعری ..... ۱۴-۲۷

- فصل سوم: جوهر شعری در مثنوی معنوی

نمونه‌هایی از تشبیه‌های اضافی و گسترده ..... ۲۸-۵۴

نمونه‌هایی از استعارات مصرّحه و بالکنایه و اضافات استعاری ..... ۵۵-۶۸

نمونه‌هایی از کنایات ..... ۶۸-۸۰

تشخیص با توجه به عناصر سازنده آن.....	۸۱-۹۷
حس آمیزی حواس پنجگانه و حواس با امور غیر حسی.....	۹۸-۱۰۲
اغراق و مبالغه.....	۱۰۳-۱۰۵
متناقض نما (پارادوکس).....	۱۰۶-۱۱۵
تلمیح.....	۱۱۶-۱۲۸
ضرب‌المثل (ارسال‌المثل).....	۱۲۹-۱۳۵
رمز و نماد.....	۱۳۶-۱۴۰
- فصل چهارم.....	۱۴۱
خیال‌انگیزی در شعر مثنوی.....	۱۴۲-۱۵۰
الهام از طبیعت و اسلوب و معادله.....	۱۵۰-۱۵۵
کتابنامه.....	۱۵۶-۱۵۷

## پیش‌گفتار:

نگارنده در این رساله سعی نموده است که با تفحص و جستجو در شش دفتر مثنوی معنوی ابیاتی را که جوهر شعری و عنصر خیال و خیال‌انگیزی در آنها بکار رفته است، استخراج نموده، انواع آرایه‌های معنوی و زیباییهای شعری موجود در این اثر را ارائه نماید.

بنابراین با راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر کاظم دزفولیان و مشاوره استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علی محمد سجّادی بذرا این موضوع در ذهنم کاشته شد و باراهنمایها و مشورتهای استادان مذکور به بار نشست و حاصل، این رساله گردید که محاسن آن به همت و عنایات آن سروران بزرگوار است و کاستی و نقص آن از بضاعت اندک این بنده می‌باشد.

## شیوه انجام کار:

ابتدا ابیات شش دفتر مثنوی جزء به جزء مورد بررسی قرار گرفت و آرایه‌ها و جوهر شعری آن فیش برداری شد و پس از گردآوری و دسته‌بندی، احوال و آثار مولانا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از نظرات صائب صاحب‌نظران و ارباب فضل و ادب اوصافی درباره اثر گرانقدر مثنوی معنوی آورده شد که فصل اول این رساله به موضوع بیوگرافی و اوصاف مثنوی معنوی اختصاص یافته است.

و فصول دیگر به این مطالب اختصاص یافته است که عبارتند از:

الف - جوهر شعری و صور خیال در شعر فارسی: که شامل تعریفی از شعر،

جوهر شعری و صور خیال، شناختی از ارکان اصلی جوهر شعری از قبیل:

آرایه‌های معنوی تشبیه، استعاره، کنایه، تشخیص، حس آمیزی، اغراق و مبالغه،

متناقض‌نما، تلمیح، ارسال المثل و رمز و نماد می‌باشد.

ب - جوهر شعری در مثنوی معنوی: که شامل ذکر نمونه‌هایی از آرایه‌های

ادبی فوق، به ترتیب آمدن در شش دفتر مثنوی می‌باشد.

ج - خیال انگیزی و الهام از طبیعت و اسلوب معادله در مثنوی: این مطالب از

آن جهت در فصلی جداگانه آمده که نسبت به آرایه‌های ادبی‌ای که قبلاً ذکر شد و

نمونه‌هایی از آن آورده شده، اشعاری خیال انگیزتر، احساسی‌تر و با لطافت و

زیبایی شاعرانه بیشتری است و از آن دست ابیاتی هستند که کاملاً شعر می‌باشند.

**چند یادآوری:**

۱- نسخه سه جلدی مثنوی معنوی به همت رینولد. الین. نیکلسون، اصل کار

قرار گرفته شده و ابیات به ترتیب و با شماره‌های مذکور در آن کتاب آورده شده

است.

۲- رسم الخط ابیات، همان رسم الخط نسخه مذکور می‌باشد.

۳- نشانه‌های بعد از ابیات به ترتیب عبارتند از:

ج = جلد / د = دفتر / ص = صفحه / ب = بیت یا ابیات.

«وَالسَّلَامُ» «بِمَنْتَهٍ وَكْرَمِهِ»

حسین نعمتی شمس آباد



## فصل اول:

۱- شرح حال مولانا جلال الدین بلخی

۲- آثار مولانا

۳- اوصافی از مثنوی معنوی

## شرح حال مولوی:

نامش محمد و لقبش جلال الدین است و فرزند سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن

حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی می باشد.

از عنوانهای او «خداوندگار» و «مولانا» که در زمان حیاتش رواج داشته و

«مولوی» در قرنهای بعد و شاید نخستین بار در قرن هشتم یا نهم در مورد او بکار رفته است.

در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هـ ق در شهر بلخ متولد شد. نیاکانش از مردم

خراسان بودند، خود او نیز با اینکه عمرش را در قونیه گذشت، همواره از خراسان

یاد می کرد و خراسانیان آن سامان را همشهری می خواند.

پدرش بهاء الدین ولد بن ولد (۵۴۳-۶۲۸ هـ ق) نیز محمد نام داشته و سلطان

العلماء خوانده می شده است. وی به «بهاء ولد» مشهور بوده و مردی خوش سخن

بوده که مجلس می گفته و مردم به وی ارادت بسیار داشته اند.

بهاء ولد در زمان محمد خوارزمشاه در شرایطی قرار می گیرد که مجبور به

مهاجرت به قونیه می شود. وی در بین سالهای ۶۱۶-۶۱۸ هـ ق به مهاجرت به قونیه

می شود. وی در بین سالهای ۶۱۶-۶۱۸ هـ ق به قصد زیارت خانه خدا از بلخ بیرون

آمد، و در نیشابور با فرزندش جلال الدین محمد به دیدار شیخ فریدالدین عطار

شتافت.

بهاء ولد پس از حج رهسپار شام شد و از آنجا به آسیای صغیر رفت و چون

آتش فتنه تاتار روز به روز شعله ورتر می شد دیگر عزم وطن نکرد و در همانجا

مقیم شد. پس از چندی علاءالدین کیقباد، پادشاه سلجوقی روم از او خواست تا به قونیه آید و او پذیرفت.

جلال الدین محمد، بنا بر روایاتی، در هجده سالگی، در شهر لارنده، به فرمان پدرش، با گوهر خاتون، دختر خواجه لالای سمرقندی، ازدواج کرد.

پدرش در سال ۶۲۸ هـ ق درگذشت و جلال الدین که در آن موقع ۲۴ سال داشت، به خواهش مریدان یا بنا بر وصیت پدر، دنباله کار او را گرفت و به وعظ و ارشاد پرداخت.

دیری نگذشت که سید برهان الدین محقق ترمذی، به سال ۶۲۹ هـ ق، به روم (آسیای صغیر) آمد و جلال الدین محمد از تعالیم و ارشاد او برخوردار شد.

وی به تشویق برهان الدین یا به انگیزه درونی خود، برای تکمیل معلومات از قونیه به حلب رهسپار شد. و پس از این به دمشق رفت و حدود چهار سال یا بیشتر در آنجا ماند و به دیدار عارف بزرگ محی الدین عربی نایل آمد. اقامت وی در حلب و دمشق روی هم از هفت سال درنگذشت. پس از آن به قونیه بازگشت و به اشارت سید برهان الدین به ریاضت پرداخت.

پس از مرگ محقق ترمذی، حدود پنج سال به تدریس علوم دینی پرداخت و تا چهارصد شاگرد در حلقه درسش فراهم می آمدند. وی در آفاق آن روز اسلامی به عنوان پیشوای دین و ستون شریعت احمدی آوازه شد<sup>(۱)</sup>.

براز اطلاعات در آن علم ایران  
تتمت در آن

### تولّدی دیگر و شیدایی:

تولّد دیگر او در لحظه‌ای بود که با شمس تبریزی آشنا شد. شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد (وفات ۶۴۵ هـ.ق) از مردم تبریز، عارفی شوریده و رندی عالمسوز بود که مولانا درباره‌اش فرموده:

«شمس تبریز، تو را عشق شناسد نه خرد»، در ۲۷ جمادی الاخر سال ۶۴۲ هـ.ق به قونیه وارد شد و در ۲۱ شوال ۶۴۳ هـ.ق از قونیه بار سفر بسته و بدین سان، در این بار، حداکثر شانزده ماه با مولانا دمخور بوده است.

علت رفتن شمس از قونیه روشن نیست، ولی این قدر هست که مردم او را جادوگر و ساحر می‌دانستند و مریدان به او تشنیع می‌زدند و اهل زمانه ملامتش می‌کردند و بدینگونه جانش در خطر بوده است. باری او به دمشق پناه برد و مولانا را به درد فراق گرفتار ساخت.

بعد از حدود پانزده ماه به ۶۴۴ هـ.ق به دعوت سلطان ولد، پسر مولوی و بیست تن از یاران مولانا که به دمشق آمده بودند روانه قونیه شد. اما این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو شد و ناگزیر به سال ۶۴۵ هـ.ق از قونیه غایب گردید و معلوم نشد که به کجارت.

مولانا پس از جستجوی بسیار، سر به شیدایی برآورد که انبوهی از شعرهای دیوان شمس، در حقیقت گزارش همین روزها و لحظات شیدایی اوست.

پس از غیبت شمس تبریزی، صلاح‌الدین زرکوب مونس و همدم مولانا گردید. وی مردی عامی و ساده‌دل بود که بیش از هفتاد غزل از غزلهای مولانا به نام

صلاح‌الدین زیور گرفته و این درجه دلبستگی مولانا به وی را می‌رساند.

این شیفتگی ده سال یعنی تا پایان عمر صلاح‌الدین (اول محرم سال ۶۵۷ هـ ق)

دوام یافت.

روح شیدای مولانا در پی جذبه دیگری بود که حسام‌الدین حسن بن محمد بن

حسن ارموی آنرا مجذوب خویش ساخت.

وی پس از مرگ صلاح‌الدین همصحبت مولانا شد و حاصل آن اثر جاویدان

«مثنوی معنوی» شد.

و سرانجام در روز یکشنبه پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هـ ق، هنگام غروب

آفتاب، آفتاب حیات مولانا نیز غروب کرد و وی بدرود حیات گفت.

در این باره قول پسرش، سلطان ولد، در مثنوی معروف به «ولدنامه» چنین

است:

زین جهان کثیف پر ز عنا

بعد از آن نقل کرد مولانا

بود نقلان آن شه فاخر

پنجم ماد در جماد آخر

ششصد از عهد هجرت احمد

سال هفتاد و دو بده بعد

وی در قونیه مدفون گردید و چندتن از توانگران ارادتمند بر سر تربتش بنایی

ساختند که به «قبة خضراء» شهرت دارد<sup>(۱)</sup>.

۱- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا، مقدمه گزیده غزلیات شمس، شرکت سهامی کتابهای جیبی،

تهران، ۱۳۶۵، صفحات ۲۲ الی ۴۸.

## آثار مولانا:

- ۱- مثنوی معنوی: معروفترین مثنوی زبان فارسی است که مطلق عنوان مثنوی را ویژه خود ساخته است. از این اثر بزرگ در جنب کتابهای مقدّس یاد می‌شود. در حقیقت نیز از لحاظ آغاز و انجام و داشتن نظم خاصی که بیرون از همه نظامهای تصنیفی است و همچنین اسلوب عرض مطالب و راه و رسم تمثیل به کتابهای مقدّس مشابهت دارد.
- این کتاب در شش دفتر و به بحر رمل مسدس مقصور یا محذوف سروده شده که حدود ۲۶۰۰۰ بیت می‌باشد.
- ۲- دیوان کبیر شمس: مشهور به دیوان غزلیات شمس تبریزی است، به سبب اینکه مولوی در آن «شمس» تخلص کرده است.
- ۳- رباعیات: مجموعه‌ای از رباعیات وی است در طبع استامبول، که به ۱۶۵۹ شماره می‌رسد.
- ۴- فیه مافیه: مجموعه‌ای است به نثر، حاوی تقریرات مولانا که بهاءالدین ولد به یاری یکی از مریدان مولانا آن را تحریر کرده است. این تقریرات گاه در پاسخ پرسشی است و زمانی خطاب به شخصی معین دارای زبانی ساده نزدیک به زبان گفتار است.
- ۵- مکاتیب: مجموعه‌ای از نامه‌های مولانا است.
- ۶- مجالس سبعه: سخنانی است که مولانا بر منبر گفته است.

### اوصافی از مثنوی معنوی:

مثنوی معنوی جلال الدین مولوی، بزرگترین حماسه روحانی بشریت است که خداوند برای جاودانه کردن فرهنگ ایرانی آن را به زبان پارسی هدیه کرده است و هنوز بشریت در نخستین پله‌های شناخت این اثر ژرف و بی‌همتاست<sup>(۱)</sup>.

معروفترین مثنوی زبان فارسی است که مطلق عنوان مثنوی را ویژه خود ساخته است که از آن در جنب کتابهای مقدس یاد می‌شود، زیرا از لحاظ آغاز و انجام و داشتن نظم خاصی که بیرون از همه نظامهای تصنیفی است و همچنین اسلوب عرض مطالب و راه و رسم تمثیل به کتابهای مقدس مشابهت دارد<sup>(۲)</sup>.

در این منظومه که آنرا بحق باید یکی از بهترین نتایج اندیشه و ذوق فرزندان آدم و چراغ فروزان راه عرفان دانست، مولوی مسائل مهم عرفانی و دینی و اخلاقی را مطرح می‌کند، و هنگام توضیح به ایراد آیات و احادیث و امثال و یا تعریض به آنها مبادرت می‌جوید.

عنوان مثنوی معنوی اشاره به این مسأله می‌نماید که این اثر، مبین مراتب معنوی است. چنانکه در دیباچه دفتر پنجم و ششم، مثنوی معنوی قلمداد گردیده است و نیز در دفتر ششم در بیت ۶۸ چنین آمده است:

فرجه کن چندانک اندر هر نفسی      مثنوی را معنوی بینی و بس

به قول معروف: «مثنوی کتابی است مشکل‌تر از مشکل و آسان‌تر از آسان، آن

۱- شرح جامع مثنوی معنوی، تألیف دکتر کریم زمانی، بخش چند اظهارنظر به نقل از دکتر شفیعی کدکنی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۳.

۲- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا، گزیده غزلیات شمس، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول- تهران ۱۳۶۵، ص ۱۴.